



«حلقات»

درس 14

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای پیشوایی

مقدمه

دومین دلیل برای اثبات حجیت خبر واحد سنت است که به دو شیوه استدلال به اخبار قطعی و سیره، به آن تمسک شده است. اخباری که به آنها برای اثبات حجیت خبر واحد تمسک شده است به ده دسته تقسیم شدند. دلالت سه دسته از این اخبار را بر حجیت خبر واحد بررسی نمودیم که دلالت این سه دسته پذیرفته نشد و استدلال به آنها رد شد. در این درس به بررسی چگونگی استدلال به دسته چهارم و پنجم از این احادیث پرداخته و مناقشات مطرح شده در باره دلالت این احادیث را بررسی می‌کنیم.

متن درس

الطائفة الرابعة: ما دل على ان انتفاع السامع بالرواية قد يكون اكثر من انتفاع الراوى من قبيل قولهم "فرب حامل فقه إلى من هو افقه منه".

ونلاحظ ان هذه الطائفة ليست فى مقام بيان ان النقل يثبت المنقول للسامع تعبداً والّا لكان الناقل دائماً من هذه الناحية افضل حالاً من السامع لان الثبوت لديه وجدانى بل هى بعد افتراض ثبوت المنقول تريد ان توضح ان المهم ليس حفظ الالفاظ، بل ادراك المعانى واستيعابها. وفى ذلك قد يتفوق السامع على الناقل.

الطائفة الخامسة : ما دلّ على ذمّ الكذب عليهم ، و التحذير من الكذّابين عليهم ، فإنّه لو لم يكن خبر الواحد مقبولاً لما كان هناك أثر للكذب ليستحق التحذير.

و الصحيح : أن الكذب كثيراً ما يوجب اقتناع السامع خطأً ، و إذا افترض فى مجال العقائد و أصول الدين كفى فى خطره مجرد إيجاد الاحتمال و الظنّ . فاهتمام الأئمة عليهم السلام بالتحذير من الكاذب ل يتوقف على افتراض الحجّية التعبدية.

روایات دسته چهارم

روایاتی هستند که بر فقیه تر بودن شنونده نسبت به راوی حدیث در برخی از موارد دلالت می‌کنند؛ مانند : «رب

حامل فقه الی من هو افقه منه؛ چه بسا شخصی که یک بحث فقهی را برای شخصی فقیه‌تر از خود بیان می‌کند»

استدلال به این احادیث

برای استدلال به این احادیث یک قیاس استثنایی بیان می‌شود.

صغری: اگر خبر واحد برای شنونده آن حجت نبود، اهل بیت نمی‌فرمودند که چه بسا شنندگان بیش از گویندگان سود ببوند؛ زیرا اگر خبر حجت نباشد، شنونده نمی‌تواند از خبر استفاده‌ای کند، تا استفاده او از استفاده راوی خبر بیشتر یا کمتر باشد. پس بحث کمیت بهره‌مندی از روایت فرع بر حجیت روایت برای شنونده است.

کبری: «والتالی باطل»؛ چون امام فرموده است.

نتیجه: «فالمقدم مثله»، خبر واحد برای شنندگان قابل استفاده است.

اشکال به دلالت دسته چهارم

در یک روایت دو حیثیت وجود دارد: یک حیثیت مربوط به صدور و ثبوت روایت است و دیگری مربوط به دلالت روایت می‌باشد. مدلول روایت ربطی به بعد صدور و ثبوت روایت ندارد. در این بحث محتوای این دسته روایات مربوط به بعد ثبوت و صدور روایت نیست، در حالی که بحث حجیت خبر واحد به معنای اثبات تعبدی صدور روایت از معصومین است.

اگر منظور حدیث یاد شده، بعد صدور احادیث فقهی باشد، معنا عکس شده و اشتباه می‌شود؛ زیرا همواره راوی از شنونده از حیث صدور بهره‌مندتر است؛ زیرا راوی روایت را یا مستقیماً از امام شنیده که وجدانا و قطعی درک کرده است، یا با واسطه شنیده که در این صورت هم باز او نسبت به شنونده حدیث، برای وثوق به صدور روایت، در وضعیت بهتری قرار دارد؛ زیرا وسائط راوی کمتر است. پس اگر مضمون حدیث بر بهره‌مندی بیشتر شنونده از گوینده از بعد صدور حمل شود، کلام امام -علیه‌السلام- صادق نخواهد بود. پس مقصود این دسته از روایات، بعد فهم و دلالت احادیث می‌باشد و امام می‌فرماید: «نسله‌ای بعد دقائق و ظرایف کلام را بهتر می‌فهمند.»

Sco1 13:55

روایات دسته پنجم

روایاتی هستند که دروغ بستن به اهل بیت را به شدت نهی کرده و بر کذابین لعنت می‌فرستند و شیعیان را از حشر و نشر با آن‌ها منع می‌کنند و آن‌ها را از فتنه کذابین برحذر می‌دارند. استدلال به این احادیث را می‌توان با یک قیاس منطقی به صورت ذیل بیان کرد.

قهاس

صغری: اگر خبر اهل بیت حجت نباشد، نباید اهل بیت شیعیان را از این امور بر حذر می داشتند؛ زیرا حدیثی که حجت نیست، کارکردی ندارد و باید کنار گذاشته شود و کاذب یا صادق بودن آن تفاوتی ندارد. صدق و کذب درباره نقل یک روایت هنگامی قابل اعتنا است که بخواهیم به آن اعتماد کنیم و برای ما حجت باشد. کبری: اهل بیت شیعیان را از این امور منع کرده اند. نتیجه: خبر اهل بیت حجت است.

اشکال به دلالت حدیث

دلالت این دسته از احادیث بر مطلوب ما تمام نیست، زیرا ممکن است، دلیل این که اهل بیت شیعیان را از این روایات منع کرده اند و آن ها را از کذب کذابین و شنیدن اخبار آنان بر حذر داشته اند، وجود یکی از این دو احتمال از جانب ائمه بوده است: احتمال نخست این که اهل بیت احتمال می داده اند که عداوتی از شیعیان به این احادیث دروغ اطمینان پیدا کنند و دچار جهل مرکب شده و بخطا عمل کنند و احتمال دوم این که می دیده اند برخی از این روایات در باب اعتقادات و مباحث کلامی است و در باب عقاید شنیدن یک خبر هرچند موجب اطمینان نشود، باز موجب شک و شبهه در مسائل اعتقادی می شود.

Sco 23:46

چکیده

1. دسته چهارم از روایاتی که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن ها تمسک شده است، روایاتی هستند که بر فقیه تر بودن برخی از شنوندگان حدیث نسبت به گویندگان دلالت می کنند.
2. اگر این روایات حجت نباشند، اصولاً ارزشی ندارند تا عده ای از آن ها بیشتر استفاده کرده و تفقه نمایند. پس این روایات حجیت خبر واحد را بدیهی دانسته اند.
3. اشکال این استدلال این است که این روایت مربوط به مقام صدور نیست، بلکه مربوط به دلالت و فهم حدیث می باشد، در حالی که حجیت خبر واحد مربوط به اثبات تعبدی صدور روایت از معصومین - علیهم السلام - است.
4. دسته چهارم از احادیثی که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن ها تمسک شده است، احادیث دال بر نهي از احادیث کذب و لعن کذابین هستند.
5. اگر حدیث حجت نباشد، این احادیث ارزشی نخواهد داشت تا درست و نادرست آن ها اهمیت داشته باشد.
6. اشکال به دلالت این دسته از روایات این است که کارایی روایات لزوماً در صورت حجیت تعبدی روایت نیست، زیرا بسیاری از این روایات برای مردم اطمینان می آوردند و به آن ها عمل می کردند. از سوی دیگر بسیاری از این روایات مربوط به مسائل اعتقادی بودند که در صورت اشتباه بودن سبب ایجاد شبهه در اعتقادات مردم می شد.